



چالش کلیدی اینزایی طارمی بازی می‌گردد؟



با مصدوم شدن مارکوس تورام، سیمونه اینزایی باید در روزهای پیش رو از تمام گزینه‌های خط حمله‌اش بهره بگیرد.

در حالی که اینتر به حساس‌ترین بازه فصل رسیده، رقابت‌های سنگین سری آ، کوپا ایتالیا و لیگ قهرمانان اروپا در انتظار ترائزوری است. تیم اینزایی که در سودای کسب سه‌گانه می‌جنگد، حالا بدون تورام باید ادامه دهد؛ مهاجمی که با مصدومیت عضلانی روبه‌رو شده و از ترکیب بیرون است. حالا اینزایی ناچار است از ظرفیت دیگر مهاجمان خود بهره ببرد.

لانوئارو مارتینز همچنان مهره کلیدی حمله است و در نبود تورام، بار بیشتری را باید بر دوش بکشد اما همزمان، مارکو آرناتوویچ، خواکین کوره‌ا و مهدی طارمی نیز باید نقش‌آفرینی موثری داشته باشند. در مقطعی که مصدومیت‌ها و چالش‌های تاکتیکی بر تیم سایه انداخته، این ۳ مهاجم باید بخوبی از فرصت‌ها استفاده کنند تا سرنوشت اینتر در این بازی‌های تعیین‌کننده روشن شود.

در ۱۰ روز آینده، بازی با بولونیا و رم در لیگ، دیدار نیمه‌نهایی کوپا ایتالیا با میلان و مصاف با بارسولونا در اروپا، برنامه‌ای فشرده برای اینتر رقم زده که نیاز به مدیریت و نتیجه‌گیری دقیق دارد.

■ **آرناتوویچ؛ بازگشتی باتأثیر**
مارکو آرناتوویچ که در نیم‌فصل نخست نتوانست درخشش لازم را داشته باشد، حالا با گلزنی‌های متوالی خود در ورزشگاه جوزپه مەاتزا، دوباره مطرح شده است. او در بازی مقابل کالیاری، اودینزه، مونزا و لاتزیو عملکرد مثبتی ارائه داد و توانست خود را با نیازهای تاکتیکی تیم هماهنگ سازد.

پس از غیبت در دیدار حساس برابر بایرن به دلیل مسائل جسمانی، اکنون این مهاجم اثریشی آماده بازگشت به ترکیب اصلی است و می‌تواند برابر بولونیا، یک نیمه کامل را در سطح خوبی بازی کند.

■ **کوره‌ا؛ در انتظار فرصت طلایی**
در حال حاضر، جایگاه خواکین کوره‌ا در ترکیب اصلی ثابت نیست و از آرناتوویچ عقب‌تر است اما او بی‌سربانه در تلاش است تا از هر فرصت برای اثبات توانایی‌هایش استفاده کند؛ همان‌طور که در نیمه دوم دیدار برابر کالیاری تأثیرگذار ظاهر شد.

کوره‌ا بخوبی می‌داند در این مقطع حیاتی فصل، جایی برای اشتباه نیست. شاید در بازی با بولونیا یا حتی در درباری برابر میلان بتواند جایگاهی برای خود پیدا کند. فعلاً باید منتظر بماند تا شرایط به نفعش تغییر کند.

■ **طارمی؛ در دسر خاص سرمربی**
مهدی طارمی اما وضعیت پیچیده‌تری دارد. مشکل کشاله‌پا، او را از آمادگی کامل دور نگه داشته و هنوز به فرم مطلوب نرسیده است. مهاجم ایرانی که با انتظارات زیادی به اینتر پیوست، فعلاً نمی‌تواند در سطح همیشگی‌اش ظاهر شود و تحت مراقبت دقیق کادر پزشکی باشگاه است.

او در فقایق پایانی دیدار با بایرن به میدان آمد اما هنوز برای بازی ۹۰ دقیقه‌ای آماده نیست. این مساله کار را برای اینزایی سخت کرده، چون نمی‌تواند به طور کامل روی طارمی حساب کند، با اینکه همچنان به‌عنوان یک گزینه مؤثر در نظر گرفته می‌شود.

باشگاه فعلاً قصد ندارد روی طارمی فشار وارد کند، چرا که بازگشت بی‌خطر او در هفته‌های پایانی می‌تواند تعیین‌کننده باشد. شاید او بتواند عملکرد نه‌چندان خوبش را جبران کرده و فصل را با خاطره‌ای خوب تمام کند.

■ **چرخش مهاجمان و آزمونی سرنوشت‌ساز**
بازی‌های پیش رو تأثیر مستقیم بر سرنوشت اینتر خواهد داشت. حالا که تورام نیست، آرناتوویچ، کوره‌ا و طارمی باید بیش از گذشته درخشیده و در کنار لانوئارو، بار خط حمله را به دوش بکشند.

با بازی مهم با بولونیا تا داری برگشت در کوپا ایتالیا و سپس جدال بزرگ با بارسولونا؛ هر کدام می‌تواند فصل اینتر را در جهتی متفاوت هدایت کند و خط حمله نقش محوری در این مسیر خواهد داشت.

کسب نخستین طلای ایران در مسابقات دوومیدانی نوجوانان آسیا

رقابت‌های دوومیدانی نوجوانان آسیا با کسب نخستین مدال طلا توسط نماینده کشورمان پیگیری شد.

به گزارش تسنیم، در «ششمین دوره رقابت‌های دوومیدانی قهرمانی نوجوانان آسیا – عربستان ۲۰۲۵»، عصر جمعه ۲۹ فروردین محمدمصالح کمره، نماینده کشورمان در دوی ۲ هزار متر موفق شد با ثبت زمان ۸ دقیقه و ۳۷ ثانیه و ۵۵ صدم ثانیه، ضمن شکستن رکورد ملی نوجوانان ایران، به عنوان قهرمانی و مدال طلا دست یابد.

رکورد ملی ۳ هزار متر نوجوانان ایران پیش از این با زمان ۸ دقیقه و ۴۰ ثانیه و ۳۶ صدم ثانیه (۲۶ آذر ۱۴۰۳ – بندرعباس) در اختیار خود کمره بود.

در این رقابت ورزشکارانی از کشور ازبکستان به ترتیب با زمان‌های ۸ دقیقه و ۵۱ ثانیه و ۲۷ صدم ثانیه و ۹ دقیقه و یک ثانیه و ۹۵ صدم ثانیه دوم و سوم شدند.

ملی‌پوشان ایران تاکنون موفق به کسب یک طلا و ۲ برنز در این رقابت‌ها شده‌اند.

به بهانه چهارمین شکست پرسپولیس برابر سپاهان در کمتر از یک فصل

پایان یک دوره



شکست ۲ بر صفر پرسپولیس مقابل سپاهان در ورزشگاه آزادی، صرفاً یک ناکامی نبود. این نتیجه، فراتر از جدول رده‌بندی، نشانه‌ای بود از فروپاشی تدریجی تیمی که در سال‌های اخیر نماد ثبات، موفقیت و برنامه‌ریزی در فوتبال ایران به شمار می‌رفت. سپاهان در حالی این دیدار را با شایستگی پیروز شد که پرسپولیس نه در زمین و نه در ساختار تیمی، شباهتی به گذشته نه‌چندان دور خود نداشت.

■ **برتری کامل سپاهان**
از آغاز مسابقه، سپاهان با برنامه‌ای مشخص وارد میدان شد. تیم تحت هدایت پاتریس کارترون با تمرکز بر گردش سریع توپ، فشار به هافبک‌های پرسپولیس و بهره‌گیری از ضعف ساختاری خط دفاع حریف، توانست کنترل کامل بازی را در اختیار بگیرد. گل نخست، حاصل اشتباه فردی مدافع پرسپولیس بود؛ گولسیانی نگاه کرد تا محبی راحت با یک بغل یا گل بزند!

گل دوم نیز یک گل به خودی خنده‌دار و باز هم اشتباه گولسیانی! اشتباه پشت اشتباه در پس پرس سپاهان! در سویی مقابل، پرسپولیس نشانی از تیم هجومی، منسجم و پرن انرژی سال‌های اخیر نداشت. خستگی بدنی، کاهش کیفیت فنی در برخی پست‌های کلیدی و از همه مهم‌تر، نبود تمرکز تاکتیکی، عواملی بود که موجب شد این تیم حتی برای یک امتیاز نیز شانس نداشته باشد.

■ **پایان یک عصر**
بازی شامگاه جمعه تنها یک شکست ساده نبود. این

شکست پرسپولیس مقابل سپاهان در هفته بیست‌وهفتم، فراتر از یک باخت ساده بود. این نتیجه در واقع پایان بسیاری از آرزوهای سرخ‌پوشان در فصل جاری را رقم زد؛ شکستی که نه‌تنها شانس قهرمانی را از بین برد، بلکه فرصت حضور در لیگ نخبگان آسیا را نیز از آنها گرفت و سلطه سپاهان در رقابت‌های رودرو را به شکلی آشکار به نمایش گذاشت.

■ **پایان رؤیای قهرمانی**
با توجه به پیروزی تراکتور مقابل ملوان و تداوم صدرنشینی این تیم، پرسپولیس برای حفظ شانس قهرمانی، چاره‌ای جز شکست سپاهان نداشت اما شکست ۲ بر صفر در آزادی، فاصله امتیازی با صدر جدول را به عدد ۷ رساند، آن هم در حالی که تراکتور یک بازی کمتر انجام داده است. اگرچه روی کاغذ هنوز اندک شانس باقی است اما در واقعیت، امید به قهرمانی دیگر رنگ باخته است.

■ **خداحافظ لیگ نخبگان!**
این شکست همچنین ضربه‌ای جدی به امیدهای بیست‌مین ایستادنش کنار خط بود. نه لرزشی در گام‌هایش، نه تردیدی در چشم‌هایش. پاتریس کارترون، مردی از سرزمین «فرانس» در شبی که ورزشگاه آزادی لرزد از شعار و خشم، آمد تا سپاهان را از توفان عبور دهد. چنین هم کرد؛ بی‌هیاهو اما قاطع. بی‌فریاد اما با صدای بلند بازی تیمش. سپاهان او، مثل ساعت سوییسی کار می‌کرد. دقیق، هماهنگ و بی‌وقفه. از همان دقیقه اول، معلوم بود کسی که آن سوی خط ایستاده، برای این جدال بزرگ آماده آمده. ضربات ایستگاهی؛ همان نقطه ضعفی که پرسپولیس هنوز درمان نکرده بود، باز هم به پاشنه آشیل سرخ‌ها بدل شد. گل اول آمد و بعد همه چیز طبق برنامه مبد فرانسوی پیش رفت.

کارترون نمی‌یازد. این جمله حالا دیگر فقط یک عدد نیست. ۲۰ بازی، ۱۲ پیروزی، ۸ تساوی و صفر شکست؛ نه فقط عدد، بلکه جنس بازی‌ها هم گویاست. پرسپولیس، تراکتور، استقلال،

بازی می‌تواند نماد پایان یک دوره از اقتدار پرسپولیس در فوتبال ایران تلقی شود. تیمی که در دهه اخیر موفق شده بود با برنامه‌ریزی دقیق و ثبات مدیریتی و فنی، به نماد قهرمانی در لیگ برتر تبدیل شود، حالا برابر چشمان هوادارانش، زمینگیر شده است.

ریشه‌های این افول، به سال قبل بازمی‌گردد. همان زمان که باشگاه به جای تثبیت سرمربی و برنامه‌ریزی برای فصل آینده، درگیر مذاکرات پیچیده و پنهان با اوسمار بود که در اندیشه رفتن به شرق آسیا قرار داشت. زمانی که تیم‌های رقیب مانند سپاهان و تراکتور از ابتدای فصل نقل و انتقالات سراغ جذب بهترین‌های لیگ رفتند، پرسپولیس در بالاتکلیفی به سر می‌برد.

■ **سپاهان؛ برنده واقعی لیگ بیست‌وچهارم**
تراکتور تقریباً قهرمان رسمی این فصل است (اگر معجزه‌ای رخ ندهد) اما اگر قرار باشد «برنده واقعی» لیگ بیست‌وچهارم را انتخاب کرد، بی‌تردید سپاهان شایسته این عنوان خواهد بود. این باشگاه با انتخاب‌های دقیق، حفظ انسجام فنی و تقویت هوشمندانه ترکیب خود، موفق شد جایگاه خود را در صدر جدول تثبیت کند و در دیدارهای حساس، بویژه مقابل پرسپولیس، توان فنی و ذهنی خود را به نمایش بگذارد. در نقطه مقابل، پرسپولیس در پی تداوم قهرمانی‌های گذشته، فرصت بازسازی نسل و تغییر ساختار را از دست داد. اصرار بر حفظ بازیکنانی که دوران اوج را پشت سر گذاشته‌اند، بی‌توجهی به واقعیت فیزیکی و سنی برخی چهره‌ها و عدم شهادت در ایجاد تغییرات اساسی، موجب شد این تیم نتواند خود را با استانداردهای رقیب‌ها هماهنگ کند.

■ **لژوم بازسازی؛ نه نمایشی، بلکه ساختاری**
پرسپولیس اکنون بیش از هر چیز نیازمند بازسازی است. نه بازسازی نمایشی، بلکه تغییری ساختاری، مبتنی بر واقع‌گرایی، شهادت تصمیم‌گیری و عبور از مصححت‌اندیشی‌های مرسوم. تعارف با اسمی و چهره‌ها باید پایان یابد. عملکردها باید ملاک تصمیم‌گیری باشد، نه خاطرات گذشته؛ در غیر این صورت، این باشگاه با خطر بازگشت به سال‌های پیش از دوران برانکو مواجه خواهد شد؛ سال‌هایی که ناکامی، بی‌ثباتی و آشفتگی ویژگی‌های اصلی‌اش بود.

■ **سخن پایانی**
اینک شکست مقابل سپاهان ممکن است جایگاه سوم را نیز از پرسپولیس بگیرد اما مهم‌تر از آن، هشدار بزرگ‌تری است به مدیریت باشگاه: حفظ ظاهر قهرمان، بدون محتوای فنی و ساختاری، ممکن نیست. اگر جراحی واقعی و تغییرات اساسی آغاز نشود، روزهای سخت‌تری در پیش خواهد بود.

لیگ بیست‌وچهارم به پایان نزدیک می‌شود. تراکتور و سپاهان، با برنامه‌ریزی و جسارت، فصل را با افتخار به پایان می‌برند اما پرسپولیس حالا در موقعیتی ایستاده که تنها با شهادت و شفافیت، می‌تواند دوباره مسیر صعود را آغاز کند.

باید پوست‌اندازی را آغاز کرد. بدون توجه به اسم و گذشته بازیکنان بزرگ باید روی نام ضعیف‌ها قلم سرخ کشید.

وحدید امیری ۳۷ ساله شده است اما کارتال ناباورانه حدود ۹۰ دقیقه به او فرصت می‌دهد و خروجی را هم دیدیم.

نه قهرمانی، نه آسیا، نه حتی اعتبار!

پایان تلخ



پلی‌آف می‌شود. با توجه به فاصله ۵ امتیازی با سپاهان رده‌دومی و فرم مطلوب تیم کارترون، شانس صعود پرسپولیس به این رقابت‌ها بسیار کم شده است. حتی

آسیایی پرسپولیس وارد کرد. با توجه به فرمت جدید رقابت‌های فدرای، تنها قهرمان لیگ به مرحله گروهی لیگ نخبگان آسیا صعود می‌کند و نایب قهرمان راهی

نمره ۲۰ برای مردی با نگاه آرام و ذهن آتشین

کاربلد مثل کارترون

فولاد؛ همه را دیده، سنجیده و از میدان بیرون آمده بی‌آنکه زانو بزند. مردی که در سکوت، دیوارهایی از اعتماد و اعتبار بالا کشیده و امروز بالاتر از همیشه ایستاده.

در شبی که کارتال با اضطراب به نیمکت می‌نگریست، پاتریس فقط نگاه می‌کرد. کاریزما‌ی بی‌ادعا، برنامه روشن و تیمی که می‌دانست چه می‌خواهد. فشار را از میانه زمین آغاز کرد، تنش را به مدافعان حریف منتقل و کاری کرد که پرسپولیس، برای نخستین بار در هفته‌های اخیر، شبی را بی‌خلق موقعیت بگذراند. حتی یک خطر جدی هم نداشتند. این یعنی تسلط؛ یعنی تاکتیک؛ یعنی برتری. و چه لحظه‌ای بود برای شکستن طلسم‌های بیرون از خانه. ۵ تساوی متوالی، مثل بندهایی نامرئی دور پای سپاهان پیچیده بود. بندها در تهران پاره شد. آزادی، این‌بار آزادی واقعی بود برای تیم طلایی‌پوش. بردی ارزشمند، ۲ امتیاز طلایی و قدمی بزرگ در تعقیب صدرنشین.

اما شاید مهم‌تر از همه اینها، بلوغ تاکتیکی سپاهان بود. تیمی که نیم‌فصل دوم بارها برد را با تساوی عوض کرده

پرسپولیس، گم‌شده در آینه بازگشت باشمشیر کارتال؟

آسمان آزادی غبار داشت. سکوها ساکت بودند، پرچم‌ها بی‌جان و چشم‌هایی که از حیرت نمی‌دانستند باید اشک بریزند یا فریاد بکشند. پرسپولیس برای چهارمین بار مقابل سپاهان زانو زد. نه به خاطر نبوغ حریف؛ که بیشتر به علت فرسودگی خویش.

در میانه این غبار، اسماعیل کارتال، با چهره‌ای عبوس و صدایی که از گلوئی فریاد سرکوب‌شده می‌آمد، حرف‌هایی زد که بوی پایان می‌داد. پایان یک نسل. پایان توهم تکرار قهرمانی با نیمکت نیمه‌جان و استخوان‌های ترک‌خورده ستاره‌هایی که روزی خورشید بودند.

کارتال گفت دیگر وقت تعارف نیست. از بازیکنانی گفت که در پست‌های کلیدی اصلاً «بازیکن» نیستند، از نیمکتی که به جای ذخیره، در دسر ذخیره کرده. او رفت. به تریکه. نه برای قرار که شاید برای یافتن همان خون تازه‌ای که پرسپولیس این روزها به آن محتاج‌تر از همیشه است. گفتند ۹۶ ساعت تمرین تعطیل اما حقیقت این است که او یا به فکر ۹۶ ماه آینده است یا هیچ! کارتال، مربی بی‌حاشیه‌ای که تا همین چند هفته پیش با وقار می‌گفت «با همین‌ها ادامه می‌دهم»، حالا شمشیر را از رو بسته. او دیگر نمی‌خواهد روی زخم‌های قدیمی چسب تازه بزند. می‌خواهد زخم را بشکافد و تیمی بسازد که دوباره بتواند نامش را با افتخار فریاد زد.

اما این سوال، مثل خاری در دل هواداران مانده: آیا مدیرانی که خود در ایجاد این سقوط نقش داشته‌اند، اجازه پرواز دوباره می‌دهند؟ آیا سیاست‌های نقل‌وانتقالاتی‌ای که پرسپولیس را به این حال و روز انداخت، اصلاح خواهد شد؟ یا باید منتظر شویم تا این بار، هواداران تصمیم به بازسازی بگیرند، آن هم از سکوها؟

امسال، پرسپولیس چیزی نبرد اما شاید چیزی یاد گرفت؛ اینکه هیچ امپراتوری ابدی نیست، مگر اینکه بلد باشد دوباره و دوباره خودش را بسازد. حالا همه چشم‌ها به تابستان است. به فهرستی که پر از وداع خواهد بود و شاید، آغاز فصلی تازه برای ققنوسی که هنوز خاکسترش داغ است.

حضور در لیگ قهرمانان آسیا نیز به شرطی میسر خواهد بود که سپاهان قهرمان جام حذفی شود و پرسپولیس جایگاه سوم را حفظ کند.

■ **برتری مطلق سپاهان در رقابت‌های مستقیم**
این فصل برای پرسپولیس از نظر تقابلی‌های رودرو با سپاهان فاجعه‌بار بود. این تیم در هر ۴ دیدار فصل جاری مقابل سپاهان، در ۴ رقابت مختلف، شکست خورده است. در ۷ بازی اخیر ۲ تیم، پرسپولیس ۶ شکست و تنها یک تساوی را تجربه کرده و حالا بیش از ۷ سال است نتوانسته در آزادی سپاهان را شکست دهد. این آمار، بیانگر برتری مطلق زردپوشان اصفهانی است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت.

این شکست، نه‌تنها ۳ امتیاز را از پرسپولیس گرفت، بلکه یک فصل کامل را زیر سایه ناکامی برد. حالا سوال این است: آیا با همین ترکیب و کادر فنی، باید به فصل آینده امید داشت یا وقت آن رسیده تغییرات اساسی در ساختار پرسپولیس اعمال شود؟

